

(وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعْدِيكَ عَلَى قُرَيْشٍ وَمَنْ أَعَانَهُمْ
فِيئَهُمْ قَدْ قَطَعُوا رَحِمِي، وَ أَكْفَأُوا إِنَائِي، وَ أَجْمَعُوا عَلَى مُنَازَعَتِي حَقًّا كُنْتُ أَوْلَى
بِهِ مِنْ غَيْرِي، وَ قَالُوا: أَلَا إِنَّ فِي الْحَقِّ أَنْ تَأْخُذَهُ، وَ فِي الْحَقِّ أَنْ تُنَمَّعَهُ، فَاصْبِرْ
مَغْمُومًا، أَوْ مُتٌ مُتَأَسِّفًا، فَنَظَرْتُ فَإِذَا لَيْسَ لِي رَافِدٌ وَ لَا ذَابٌ وَ لَا مُسَاعِدٌ إِلَّا أَهْلُ
بَيْتِي، فَضَنَنْتُ بِهِمْ عَنِ الْمَنِيَّةِ فَأَغْضَيْتُ عَلَى الْقَدْيِ، وَ جَرَعْتُ رِيقِي عَلَى الشَّجَا،
وَ صَبَرْتُ مِنْ كَظْمِ الْغَيْظِ عَلَى أَمْرٍ مِنَ الْعَلَقَمِ، وَ الْمَ لِلْقَلْبِ مِنْ حَزِّ الشُّفَارِ. قَالَ
السَّيِّدُ الشَّرِيفُ: وَ قَدْ مَضَى هَذَا الْكَلَامُ فِي أَثْنَاءِ خُطْبَةٍ مُتَّقَدِّمَةٍ إِلَّا أَنِّي كَرَّرْتُهُ هَهُنَا
لِاخْتِلَافِ الرَّوَايَتَيْنِ.

وَ مِنْهُ فِي ذِكْرِ السَّائِرِينَ إِلَى الْبَصْرَةِ لِحَرْبِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَقَدِمُوا عَلَى عُمَالِي وَ
خُزَّانِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ الَّذِي فِي يَدِي وَ عَلَى أَهْلِ مِصْرٍ كُلِّهِمْ فِي طَاعَتِي وَ عَلَى
بَيْعَتِي، فَشَتَّتُوا كَلِمَتَهُمْ، وَ أَفْسَدُوا عَلَى جَمَاعَتِهِمْ، وَ ثَبَّوْا عَلَى شِيعَتِي، فَقَتَلُوا
طَائِفَةً مِنْهُمْ غَدْرًا، وَ طَائِفَةً عَضُوا عَلَى أَسْيَافِهِمْ، فَضَارَبُوا بِهَا حَتَّى لَقُوا اللَّهَ
صَادِقِينَ.

گله از قریش

شکوه از قریش

خدایا من بر ضد قریش، و یارانیشان از تو کمک می‌خواهم، که پیوند خویشاوندی مرا بریدند، و کار مرا دگرگون کردند، و همگی برای مبارزه با من در حقی که از همه آنان سزاوارترم، متحد گردیدند. و گفتند: (حق را اگر توانی بگیر، و یا تو را از حق محروم دارند، پس یا با غم و اندوه صبر کن، یا با حسرت بمیر). به اطرافم نگریستم دیدم که نه یآوری دارم، و نه کسی از من دفاع و حمایت می‌کند، جز خانواده‌ام که مایل نبودم جانشان به خطر افتد، پس خار در چشم فرو رفته، دیده برهم نهادم، و با گلوی استخوان در آن گیر کرده، جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم، و در فرو خوردن خشم در امری که تلخ‌تر از گیاه حنظل، و دردناک‌تر از فرو رفتن تیزی شمشیر در دل بود شکیبایی کردم.

افشای خیانت ناکثان

بر کار گذاردن و خزانه‌داران بیت‌المال مسلمانان که در فرمان من بودند، و بر مردم شهری که تمامی آنها بر اطاعت من، و وفاداری در بیعت با من وحدت داشتند، هجوم آوردند، آنان را از هم پراکندند، و به زبان من در میانشان اختلاف افکندند، و بر شیعیان من تاختند، گروهی را با نیرنگ کشتند، و گروهی دست بر شمشیر فشرده با دشمن جنگیدند تا صادقانه خدا را ملاقات کردند.